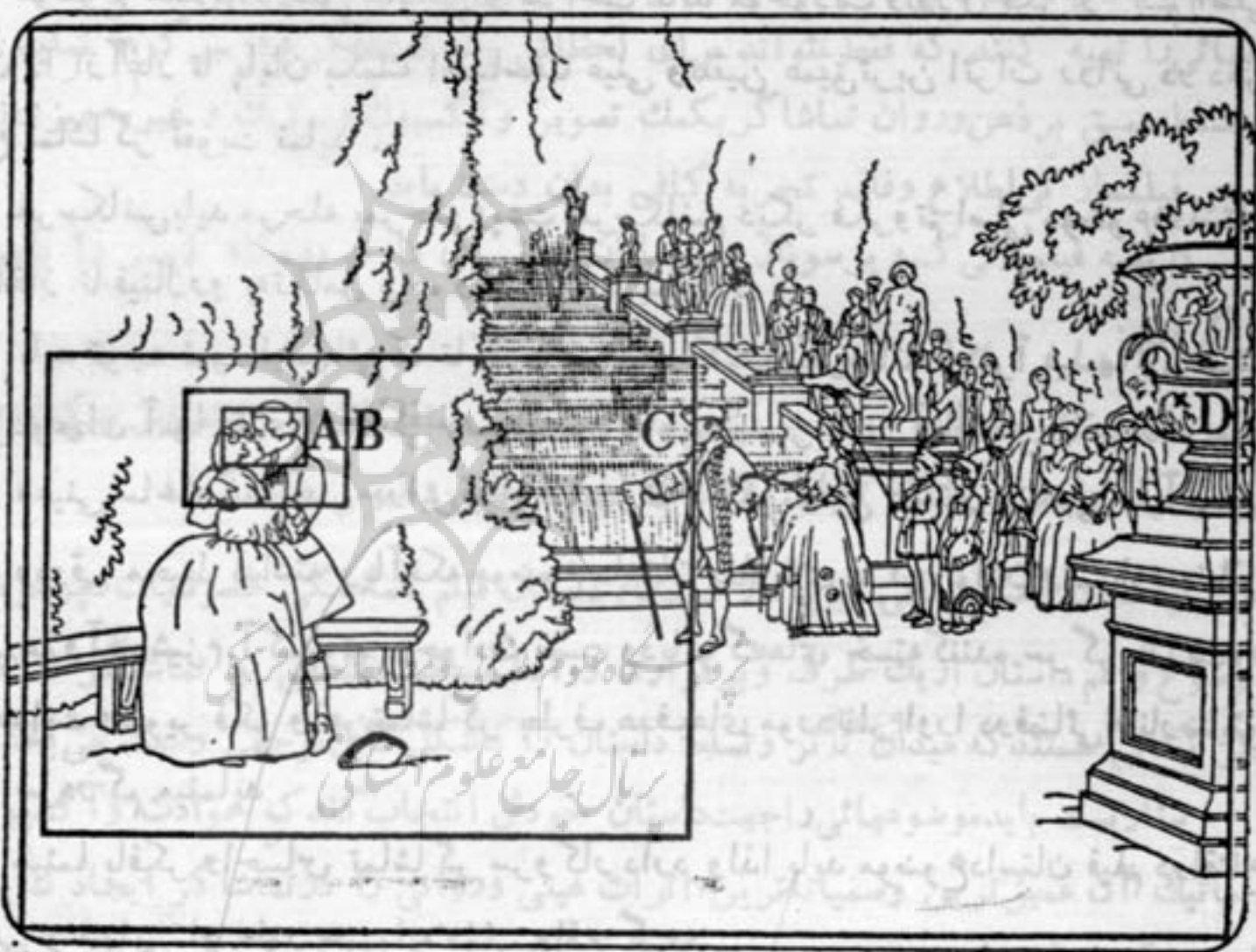


از: دکتر بلوهر آصفی

بررسی نکات روانی اجتماعی و تجاری در انتخاب

موضوع فیلم



نمونه‌ای از انواع پلانها

۱- نکات روانی اجتماعی - می‌دانیم که اگر روابط و احتیاجات و فعالیت‌های اجتماعی نبود اساساً موضوع و داستانی نیز بوجود نمی‌آمد، وجود همین روابط اجتماعی و برخوردها و تصادف‌های مختلف زندگی است که حوادث تلخ و شیرین داستانها و قصه‌ها را ایجاد می‌کند. سناریست مبتکر از انبوه موضوعها و حوادث و اتفاقات زندگی اجتماعی انسانها آنهایی را انتخاب میکند که اولاً سینماتوگرافیک بوده و ثانیاً نمونه و سمبل کلیه موضوعها و حوادث مشابه باشند.

بعنوان مثال وقتی سناریست میخواهد يك ماجرای عشقی را موضوع داستان سینمایی خود قرار دهد سعی می کند به همراه رعایت جنبه های رآلستیک آن لطیف ترین و زیباترین شکلی را برگزیند که بتواند از نظر کیفیت حادثه و تأثیرات عینی و ذهنی و اثرات روانی در نوع خود بهترین نمونه را ارائه دهد.

ارزش تأثیرات روانی و جاذبه عینی و ذهنی موضوع و حوادث داستان در جزئی ترین مراحل نیز باید مورد توجه دقیق سناریست قرار گیرد.

موضوعهای کلیه فیلمهایی که در دنیا تهیه شده اند غیر از حوادث ساده زندگی چیز دیگری نیستند، منتهی این کیفیت برداشت و نحوه القاء اثرات عینی و روانی است که ارزشهای نسبی برای فیلمها کسب می کند.

موضوع سناریو در عین سادگی و صراحت باید موجودیت و ارزش فکر و تم اصلی داستان را از آغاز تا پایان بکامک احساسات عینی و تلقین عمیق ترین اثرات روانی در ذهن و روح تماشاگر تقویت نماید.

هرسکانس باید مرحله به مرحله و پشت سرسکانس دیگر فکرو تم اصلی موضوع و داستان را از آغاز تا فینال رو به تکامل برده و به ثبوت برساند.

باید توجه نمود فیلمهایی که تاکنون موفقیتی کسب نکرده اند اکثراً فیلمهایی هستند که موضوعهای آنها عاری از سادگی و صداقت بوده و بعلاوه بر اساس آثار ادبی فاقد ارزشهای روانی و عینی ساخته شده اند. در این قبیل فیلمها تم و فکر اصلی داستان تناسبی با آتمسفر روانی و ذوقی محیط نداشته و یا آنکه موضوع داستان در لابلای عدم توازن و تداوم منطقی سکانسها و آفارشیزم آکسیونها و حوادث سست و دیالوگهای خسته کننده سرگردان شده و بجای هدایت و تنویر فکر و ذهن تماشاگر بطرف هدفهای مورد نظر او را در فضائی از نارضایتی و ابهام سردرگم مینماید.

سینما با فکر و احساس تماشاگر سروکار دارد و لذا باید موضوع داستان فیلم در اقناع احساسی و روانی او بطور صمیمانه مؤثر واقع گردد.

تماشاگر برای این به سینما نمی آید که گریه کردن یا خندیدن هنرپیشه ای را تماشا کند بلکه او انتظار دارد خودش گریه کند و یا بخندد و این چیزی است که فقط رآلیزم داستان فیلم و صداقت و سادگی شکل اجرایی آن میتواند تأمین نماید.

يك موضوع هیچوقت نمی تواند سنتزی از موضوعهای مختلف باشد به دلیل اینکه هر موضوعی تم و فکر و موجودیت اختصاصی خود را دارا است و مسلماً محدودیت زمان نمایشی و سایر عوامل اجازه نمی دهد که ماچندین موضوع مختلف را همزمان با هم و تو در تو ارائه دهیم فیلمهایی که موفقیت کسب کرده اند عموماً موفقیت خود را به داشتن تم و فکر ابتکاری

موضوع و اثرات روانی و عینی عمیق داستان سناریو و روابط منطقی و هم آهنگ سکانس‌ها و صحنه‌ها و پلانها مدیون هستند . صنعت سینما با زمان پیش می‌رود و بطور دائم تحت تأثیر دیگر گونی‌های روابط زندگی انسانها و تغییرات و تکامل زیر بنا و روبنای اجتماعی قرار دارد و بنابراین يك سناریست با درك شرایط زمانی باید موضوع داستانهای خود را با این دیگر گونیها و احتیاجات و پیشرفتهای تکنیکی هماهنگ سازد و البته این بدان معنی نیست که صرفاً هر چه که مد روز و عامه‌پسند باشد ارائه گردد بلکه يك نویسنده سینما در تحریر داستان و موضوع باید احتیاجات روانی اجتماعی و ذوقی زمان خود را نیز در نظر بگیرد .

البته تهیه فیلمهایی که تم اصلی موضوعهای آنها از روابط ظریف و عمیق اجتماعی و برداشت‌های سمبولیک حوادث زندگی مایه می‌گیرند کار آسانی نیست و بهمین مناسبت است که فیلم‌سازان بازاری سعی میکنند از دست یازیدن باین قبیل موضوعها پرهیز نموده و اغلب فیلمهایی را تهیه کنند که فقط بتوانند برای لحظاتی چند تماشاگر را سرگرم نماید چرا که تسلط عمیق بر ذهن و روان تماشاگر بكمك تصویر و آکسیون و موزیک و غیره چیزی نیست که هر فیلمساز بی‌اطلاع و فاقد تجربه کافی بدان دست یابد.

در تهیه فیلمهایی که پرسوناژ و قهرمانان بیشتری دارند دو نکته زیر را باید در نظر گرفت :

الف - هر يك از پرسوناژها را بطور انفرادی و مستقل انتخاب و تصویر میکنند و فقط سعی میشود روابط بین آنان تا پایان داستان بطور منطقی و طبیعی حفظ گردد .

ب - در فاصله زمانی بین آغاز و انجام داستان فیلم هماهنگی خصوصیات پرسوناژها با موضوع و تم داستان از يك طرف و برقراری روابط مستقیم و منطقی با تماشاگر از طرف دیگر نکاتی هستند که میدان تأثر و تسلط داستان را به شکل قابل توجهی وسعت می‌بخشند . سناریست باید موضوعهایی را جهت داستان خودش انتخاب کند که حوادث و آکسیونهای دراماتیک آن عمیق‌ترین و صمیمانه‌ترین اثرات عینی و روانی را در تماشاگر ایجاد نماید به عبارت دیگر در انتخاب موضوع و نوشتن سناریو نقش خود تماشاگر را نباید از نظر دور بردارد زیرا که در مقابل هر هیجان و آنتریک و تأثر و شادی این تماشاگر است که باید احساس بکند لذت ببرد و زندگی نماید و باید سنجش منطقی لحظات و موقعیت‌های مناسب جهت القاء کلیه این تأثرات دقیقاً از طرف سناریست معین گردد .

تماشاگر را باید در مناسبترین لحظات و موقعیت‌ها به هیجان آورد و یا متأثر نمود و مسلماً جهت انتخاب درست و دقیق این لحظات فرمول مخصوصی وجود ندارد و این سناریست است که با اتکاء به تبحر و تجربیات و احساس و نکته‌سنجی خود تصمیم می‌گیرد و جزئیات امر را در اختیار کارگردان می‌گذارد . هیجان و آنتریک يك سکانس باید بقدر کافی برای تماشاگر

قابل درك بوده و با اصطلاح او را مجذوب سازد تا بدنبال كردن بقيه سكانسهای داستان علاقه مند گردد . القاء این هیجان و تأثیر تا پایان داستان نباید تماشاگر را رها نماید و فقط پایان داستان است که همه چیز را به یکباره رها و آزاد می سازد .

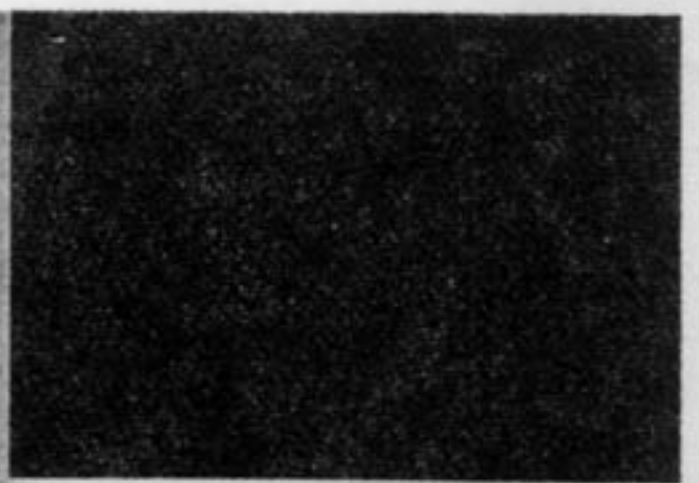
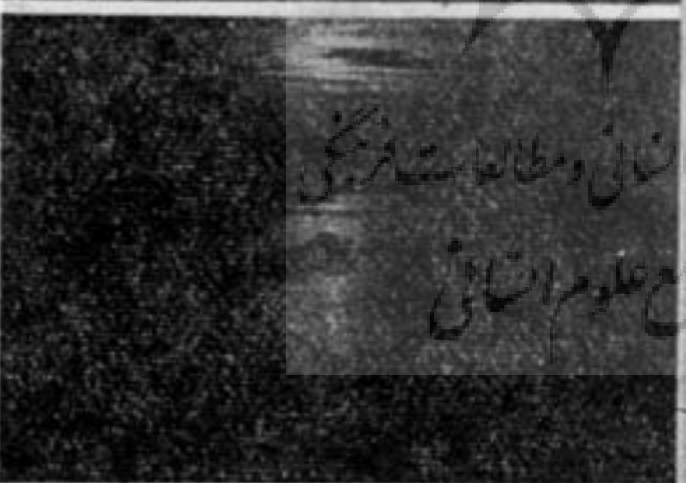
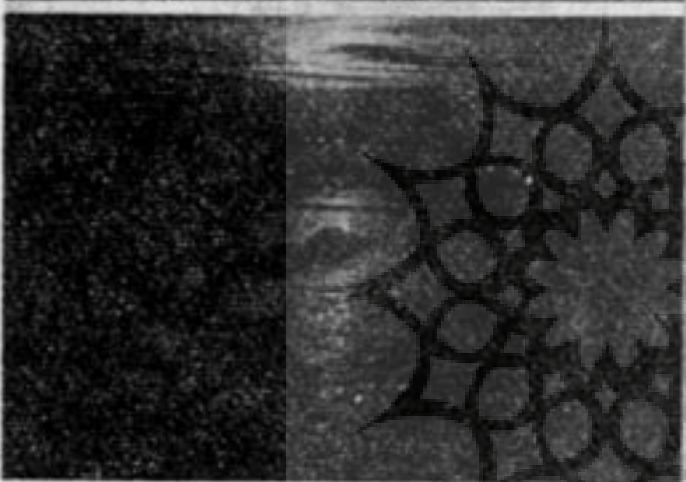
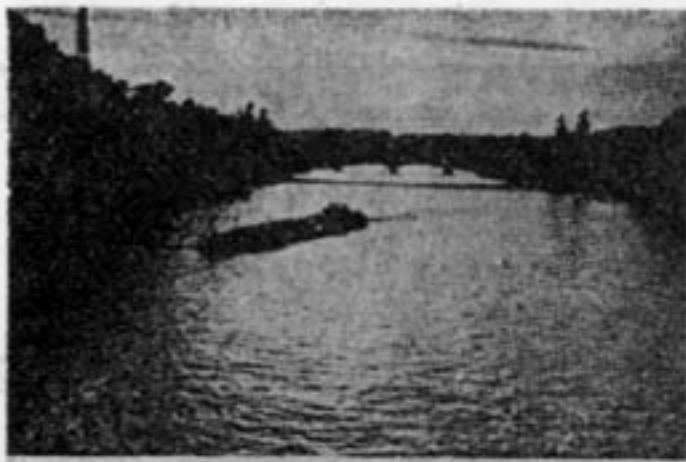
همه می دانیم که تماشاگر در حین تماشای فیلم خود را درون ماجراهای آن احساس و با بازیگران و قهرمانان داستان همدردی می نماید و لذا سناریوئی موفقیت کسب خواهد کرد که این احساس و تخیل را هر چه بیشتر برای تماشاگر تأمین کرده و روابطی هر چه عمیق تر و نزدیکتر بین تماشاگر و پرسوناژهای داستانش ایجاد نماید .

اگر سناریو نتواند تداوم و ریتم لازم بین سکانسها و آکسیونها و پرسوناژهای خود از یکطرف و توجه و تأثیر عینی و روانی تماشاگر از طرف دیگر برقرار نماید مسلماً در توجیه و اثبات تم اصلی موضوع و داستان موفقیت چندانی بدست نخواهد آورد و به تعبیر دیگری این قبیل داستانها و سناریوها از صلاحیت فیلمی و سینمایی بودن بدور خواهند بود .

۲- بررسی نکات تجاری در سناریو - در کشورهایی که تهیه و تولید فیلم بطور آزاد انجام می گیرد معمولاً شرکتها و کمپانیها و اشخاص مختلف برای تهیه و تولید فیلم سرمایه گذاری می کنند و معلوم است که سرمایه گذار انتظار دارد بهترین فیلم را از نظر تجارتي ارائه دهد تا علاوه بر وصول سرمایه اصلی سود مناسبی نیز بدست آورد . در این سیستم تولید عامل اصلی تهیه فیلم فرد یا افرادی می باشند که اغلب از نظر جنبه های تجاری و سودیابی دست باینکار میزنند و مسلماً منطقی نخواهد بود که این قبیل اشخاص سرمایه های خود را در راه تهیه فیلمی از يك سناریوی ضعیف و فاقد ارزش های تجاری بخطر بیندازند .

در کشورهای غربی تهیه کننده و سرمایه گذار از هم جدا است ولی در کشور ما معمولاً تهیه کننده کسی است که سرمایه گذاری هم می کند و در این شرایط اغلب خود تهیه کنندگان هستند که موضوع و داستان فیلم را انتخاب و فیلمبرداری آنرا بکارگردان پیشنهاد می کنند و بعلاوه تا پایان فیلمبرداری کارگردان اجباراً باید از نظرات و سلیقه های عجیب و غریب سرمایه گذار پیروی نماید . در کشور ما اهمیت وجودی سناریست و انجام بررسی ها و مطالعات قبلی در روی داستان انتخابی از نظر تهیه کننده و سرمایه گذار تقریباً ارزشی ندارد و کارگردان و فیلم بردار نیز از نظر این قبیل افراد همانقدر ارزش دارند که يك ماشین تریکوبافی برای صاحبش دارد و مسلم است که کارگردان و اوپراتور و سایر همکاران تولید فیلم جهت تجلی نیروهای ابتکاری و ابراز استعداد و لیاقت میدان بسیار محدودی خواهند داشت . در چنین شرایطی تهیه کننده و سرمایه گذار است که تقریباً دیر کسیونها را تعیین کرده و حتی قهرمانان فیلم و محیط بازی و سایر عوامل اجرایی را انتخاب می کند .

اکثر تهیه کنندگان فیلم های فارسی با ارزش های هنری و تکنیکی فیلمها چندان میانه ای



شکوه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 تهران جامع علوم انسانی

فوندو بسته

فوندو باز

ندارند و لذا در تهیه فیلمهای خود کوچکترین توجهی به احتیاجات فرهنگی و هنری و اجتماعی نداشته و تنها هنرشان اینست که با ارائه عوام‌فریبانه و ساختگی لذت‌های آنی و زودگذر و حتی به‌بهای پائین‌تر بردن سطح فکری مردم عامی میزان فروش فیلمهای خود را افزایش بدهند و احیاناً وجود صف‌های طویل در برابر گیشه فروش بلیط را بهترین دلیل موفقیت و آگاهی و مهارت خود بحساب آورند .

قبلاً گفتیم که فیلم‌ها از نظر تعداد پرسوناژها به دو دسته تقسیم می‌شوند ، فیلم‌های با بازیگران کمتر و محدود و فیلم‌هایی با بازیگران بیشتر و متعدد .

از نظر تجاری فیلمبرداری داستان‌هایی که به افراد کمتری احتیاج دارند بیشتر مقرون به صرفه خواهند بود و اگر این قبیل فیلم‌ها از نظر تکنیکی نیز خوب ساخته شوند سود بیشتری عاید تهیه‌کننده خواهند نمود .

سناریست که برای تولید فیلم داستان مینویسد مسلماً جنبه‌های تجاری آنرا نیز باید در نظر بگیرد، سناریوهایی که به پرسوناژ و عوامل اجرایی بیشتری احتیاج داشته و بعلاوه بجای آکسیونهای چشم‌گیر سینماتوگرافیک پر از دیالوگ‌های خسته‌کننده بوده و از نظر کارگردانی و کیفیت نور و تصویر و غیره نیز نارسا باشد سرمایه تهیه‌کننده‌اش را یقیناً برباد خواهد داد . سناریست در هر موقعیت زمانی و مکانی باید آتمسفر روانی و احتیاج ذوقی تماشاگر را در نظر داشته باشد . اگر موفقیت بسیاری از فیلم‌ها را بررسی نمائیم تأثیر شرایط روحی و روانی و تمایلات زمانی تماشاگر را در موقعیت آنها جزو عوامل اصلی میتوانیم بشمار آوریم باید گفت که سینما نیز تا حدود زیادی بمانند مد از تغییرات ذوقی و سلیقه و انتخاب و احتیاجات زمانی زندگی متأثر میگردد و دوروی همین اصل است که سناریست‌های حرفه‌ای در کشورهای که دارای صنعت سینمای پیشرفته‌ای هستند همواره مظاهر روحی و ذوقی مردم و تمایلات و احساسات مثبت و منفی تماشاگر را عمیقاً دنبال و تحت بررسی دقیق قرار میدهند و بر مبنای اطلاعات گردآمده موضوع داستان خود را انتخاب میکنند .

با بررسی‌های قبلی موضوع و داستان تا حدودی میتوان موفقیت و یا عدم موفقیت فیلم را پیش‌بینی نمود و بدین منظور سؤالاتی زیر را میتوان مطرح نمود:

آیا موضوع انتخابی اوریژینال و ابتکاری است؟ آیا به موضوع دیگری شباهت دارد؟ موضوع داستان تا چه اندازه برای مردم دارای تازگیها و ویژگیهای خاصی است؟ آیا داستان تناسبی با موقعیت زمانی و شرایط روحی و ذوقی مردم دارد؟ آیا آکسیونهای داستان خواهد توانست به اندازه کافی لحظات هیجان‌ناظران و اضطراب و آنتریک بوجود آورد؟

تیپ‌ها و پرسوناژها تا چه حدی خواهند توانست با ایجاد روابط عینی و روانی تماشاگر را بخود جذب نمایند؟

سناریست با در نظر گرفتن اینکه موضوع داستان باید قابل درک باشد در عین حال سعی
 مینماید نکات حساس و هدف‌های آنرا در پرده‌ای از سؤال و شک و تردید بپوشاند زیرا که
 تماشاگر موضوع و هدف سهل‌الدرك را دوست ندارد و معمولاً داستان‌هایی که همه چیز از آن
 ابتدا قابل پیش‌بینی باشد تماشاگر را به چرت زدن وادار خواهد کرد. اما در انتخاب
 درك موضوع و حوادث داستان باید در شرایط متعارف و نرمال از طرف تماشاگر
 امکان‌پذیر باشد. کاراکترهای قهرمانان داستان بخوبی تصویر شده و در انتخاب تیپ آنان از خصوصیت
 خود مردم و تماشاگران باید الهام گرفت. بالاخره باید یادآور شد که تماشاگر در هر سنی باشد عاشق ماجرا و عشق و انتقام و
 گذشت و مردانگی و این قبیل چیزها است و اکثر تماشاگران در سابق و یا در حال حاضر در
 آرزوی ماجراهای قهرمانی بوده و هستند و واضح است که همه کس نمی‌تواند به این تمایل و آرزوهای
 خود برسد و اگر تماشاگر تجسمی از خواسته‌های خود را در پرده سینما مشاهده نماید به
 داستان فیلم علاقه بیشتری نشان خواهد داد. البته این بدان معنی نیست که اشخاصی
 تمایلات انحرافی انسان‌ها را در مورد عشق بازی و انتقام و ابراز نفرت و کینه بهانه قرار داده
 و فیلم‌هایی مملو از انحرافات جنسی و کشت و کشتار و جنایت در انواع و اقسام مختلف
 سرهم کرده و با انتظار انباشتن انبانی‌های خود باشند.

حال سناریو را چگونه بنویسیم؟

بطور کلی اساس سناریو پنج مرحله را طی می‌کند:

- ۱- فکر و تم اصلی
 - ۲- موضوع سینما تر گرافیک
 - ۳- داستان موضوع یا Snopsis Suje
 - ۴- اسکلت سناریو (شما)
 - ۵- سناریو
- سناریست برای تنظیم سناریو قبلاً در روی مراحل فوق‌الذکر درمی‌گردد و اگر روی کند.
 اینک جهت یادآوری این پنج مرحله را مختصراً شرح می‌دهد:

- ۱- فکر و تم اصلی - نقطه حرکتی است که از یک کنار و یا اثری بیا به گرفته
 و یا جرقه‌ای است که از یک حادثه زندگی و یا ابتکاراً و فی‌البداهه در مغز ساریس می‌درخشد
 و او را مصمم می‌سازد که موضوع مخصوصی را جهت تنظیم سناریو انتخاب نماید.
- ۲- موضوع سینما تر گرافیک - سناریست اولین تخیل و یا الهامی را که از یک
 حادثه و یا یک رابطه زندگی اجتماعی برداشت می‌کند در همان قدم اول در مغز خود بشکل

سینمایی فکر کرده و فکر و طرح و اسکیز اولیه برای آن در نظر میگیرد و توجه می نماید که آیا موضوع فرض شده بدرد سینما می خورد؟ و آیا دلایل کافی جهت اجرای نمایشی آن از نظر جنبه های تکنیکی و تجاری وجود دارد؟ و بدین ترتیب کلیه نکات منفی و مثبت را از نظر سینماتوگرافیک کاملاً مورد بررسی و مطالعه قرار میدهد.

اولین و مهمترین عامل شکست يك فیلم اینست که يك داستان غیر سینمایی را بزور و بكمك وصله پینه های تکنیکی تبدیل به فیلم نموده باشند و باید گفت که فقط ریتم و هماهنگی فکرو تم اصلی و تناسب سینمایی موضوع داستان است که منجر به تنظیم يك سناریوی قوی و اصیل می گردد.

۳- داستان موضوع - «Suje Snopsis»

در بدو امر موضوع بصورت داستان و قصه ای ساده نوشته میشود و بجای ذکر دیالوگهای اصلی و شرح و تفصیل های طولانی سعی می گردد با توضیح تصویرها و صحنه ها و بطور کلی هر آنچه که به چشم دیده میشود داستان سینمایی روی کاغذ نوشته شود و به تعبیری دیگر این شکل داستان نویسی را میتوان باسکیز يك تابلوی نقاشی شبیه نمود که در حقیقت تصویری اجمالی از اقدامات آنی سناریست خواهد بود.

۴- اسکلت سناریو - در این مرحله حکایت سینمایی که قبلاً نوشته شده بسکانسها و صحنه های مختلف تقسیم شده و با در نظر گرفتن ریتم و هارمونی لازم کلیه حوادث داستان سینما را در سکانسها و صحنه های حساب شده جای میدهند بدون آنکه به دیالوگ و افکتها و موزیک و سایر جزئیات امر پردازند.

وقتی اسکلت سناریو تنظیم گردید خواهیم دانست کلیه نواقص آنرا بمنظور نوشتن سناریوی اصلی بخوبی بررسی و بر طرف نمائیم و مسلم است که اگر بدون تنظیم اسکلت و استخوان بندی قبلی به نوشتن سناریو اقدام شود. بسیاری از نکات حساس و با ارزش داستان از توجیه لازم محروم خواهند گردید. تنظیم اسکلت سناریو قسمت اعظم کار يك سناریست را تشکیل می دهد زیرا که در این مرحله تعداد قطعی و چگونگی سکانسها و میزانشن ها و صحنه ها و مکانها و محیط بازی و امکانات فیلم برداری و تیپها و پرسوناژها مطالعه و بررسی شده و طرح اصلی اجرای نمایش داستان فیلم ریخته می شود.

این مرحله حساس ترین و دقیق ترین مرحله نوشتن يك سناریو است که تا حدود زیادی موفقیت فیلم برداری را نیز تضمین می کند.

بطور کلی اسکلت سناریو طرح جامعی است از حرکت و تصویر که اساس فیلم برداری داستان را پایه گذاری می نماید.

جهت توجیه بیشتر این مرحله از مثال زیر كمك می گیریم :

در حین عبور از کوچه با حادثه روبرو می شویم ، مقابل ما در زاویه دیدمان ازدحامی دیده می شود ، علت حادثه برای ما مجهول است ، برای اطلاع از چگونگی امر نزد یکتر میرویم ، هر قدر به محل حادثه نزدیکتر می شویم محیط حادثه و اشخاص را واضح تر می بینیم اگر در این حالت خودمان را بجای دوربین فیلم برداری در حال تراولینگ فرض نمائیم چشم مان بجای او بژکتیف دوربین محسوب خواهد شد و اگر حادثه را يك موضوع و تصویر آن را يك ميزانسن قبول كنيم در اینصورت پروبلم های (صحنه - مكان - ميزانسن - اشخاص و دیالوگ) همه باهم مقابل چشم ما قرار دارند و اگر بخواهیم اسکلتی از داستان این حادثه جهت فیلم برداری تنظیم نمائیم که همه چیز آن برای تماشاگر مفهوم باشد اجباراً باید تك تك این موارد را بررسی و پیش بینی كنیم زیرا که بازگو کردن کامل چگونگی این حادثه با کلیه جزئیاتش بوسیله يك یا چند پلان و تصویر در روی پرده امکان ندارد و از اینجا است که سناریو از رومان و حکایت وقصه جدا شده و بطور مستقل بصورت يك هنر و تکنیک جدا گانه ای درمی آید.

در شماره آینده يك داستان سینمایی را در دو مرحله اصلی یعنی در شکل داستان موضوع یا *suje snopsis* و شکل اسکلت سناریو شرح داده و سپس برای نمونه سناریوی اصلی آنرا نیز خواهیم نوشت .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی